

دونالد ترامپ همچنان به دنبال رسیدن به یک توافق هسته‌ای با ایران است و در سوی مقابل، تهران نیز تمایل به توافق با او را پنهان نمی‌کند. حتی پس از جنگی که آمریکا و اسرائیل علیه ایران به راه انداختند و سه شنبه گذشته به پایان رسید، شواهد حکایت از این دارد که همچنان به دنبال مذاکره هستند. «آمریکن کانسرویتیو» مدعی شد: این جنگ با حمله غافلگیرانه اسرائیل کلید خورد، با بمباران گسترده تأسیسات هسته‌ای ایران توسط آمریکا به‌اوج رسید و سرانجام در حالی خاتمه یافت که دونالد ترامپ مقابل خبرنگاران فریاد زد: «تهران و اورشلیم واقعاً نمی‌دانند دارند چه می‌کنند!»

فرصت جدید برای مذاکرات!

در دو هفته گذشته، هیچ زمینه پایداری برای ازسرگیری دیپلماسی میان واشنگتن و تهران باقی نمانده است. دو طرف مشغول مذاکراتی بودند که قرار بود ایران در آرای اعمال محدودیت‌های بیشتر بر برنامه هسته‌ای خود، از تخفیف و کاهش تحریم‌ها بهره‌مند شود، اما با آغاز حملات اسرائیل به ایران بسیاری از ناظران و تحلیلگران این مذاکرات را تمام شده بی‌ی سرانجام تلقی کردند. با این وجود، دونالد ترامپ روز چهارشنبه اعلام کرد که هفته آینده مذاکرات جدیدی میان آمریکا و ایران آغاز خواهد شد. هرچند در داخل ایران بر سر ازسرگیری گفت‌وگوها اختلاف نظر جدی وجود دارد، اما به گزارش نیویورک تایمز، «جنای که فعلاً دست بالا را دارد، بر مشی اعتدال و دیپلماسی تأکید می‌کند.» تحلیلگرانی که با آنها گفت‌وگو کرده‌ام معتقدند هنوز امکان دستیابی به توافق وجود دارد و ادامه مذاکرات ارزش پیگیری را دارد. جمال عبدی، رئیس شورای ملی ایرانیان آمریکا بر این باور است که واشنگتن هنوز هم شانس رسیدن به توافق را دارد، چراکه مسعود پزشکیان، رئیس جمهور میانه‌روی ایران همچنان از ادامه مذاکرات حمایت می‌کند.

لایه اسرائیل علیه صلح

البته این تحلیلگران بی‌تردید نکات مهم و دقیقی را مطرح می‌کنند با این حال، ایالات متحده باید به طور جدی بررسی کند که آیا مسیر دیپلماسی هسته‌ای ترامپ با ایران واقعا ارزش پیگیری دارد یا خیر. من خودم سال‌ها از توافق هسته‌ای با ایران دفاع می‌کردم و معتقد بودم ترامپ فرصت مناسبی برای دستیابی به چنین توافقی در اختیار دارد. اما اکنون تردید دارم که مذاکرات آمریکا و ایران، به جای حل مشکل، خود به یک معضل تازه تبدیل شده‌اند. تمایل ترامپ به طرح خواسته‌های حد اکثری، سطح تنش با ایران را بالا برده و هر امتیازی که از سوی او داده شود، جریان‌های جنگ طلب و مخالف ایران را جسورتر می‌کند و فریادها آنها برای جنگ را ستر می‌سازد. هرچند جمال عبدی از ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای حمایت می‌کند، اما هشدار می‌دهد که اگر کاخ سفید همچنان بر توقف کامل غنی سازی اورانیوم در خاک ایران اصرار ورزد، امکان دستیابی به توافق وجود نخواهد داشت. دقیقاً همین جا جرقه اصلی مذاکرات شکل می‌گیرد. مذاکرات پیش تر زمانی پیش می‌رفت که دولت آمریکا محدودیت‌هایی بر غنی سازی را مطالبه می‌کرد، نه ممنوعیت کامل آن. اما مخالفت صریح اسرائیل و لابی‌های حامی آن در آمریکا دولت ترامپ را به سمت اتخاذ رویکردی به‌هم‌رانب سخت‌گیرانه‌تر سوق داد؛ رویکردی که برای ایران مطلقاً غیرقابل پذیرش است. ترامپ نه تنها بر مطالبه‌ای افشاری می‌کند که از نظر ایران پذیرفتنی نیست، بلکه جایگزین آن را نیز صریحاً جنگ معرفی کرد است که ترکیبی به شدت نگران کننده و خطرناک است.

تیر خلاص به مذاکرات؟

تازه ترین شواهد نشان می‌دهد که ترامپ همچنان با تمام قوا پشت سر نخست وزیر اسرائیل ایستاده است. چهارشنبه شب، دونالد ترامپ در تروث سوشال پیامی بلند منتشر کرد و با شور و حرارت از تنباهو حمایت کرد و خواستار منخومه شدن اتهامات فساد علیه او شد. «اونوشت»: این ایالات متحده بود که اسرائیل رانجات داد و حالا هم ایالات متحده، بی‌بی نتانیاهاو رنجات خواهد داد.» هرگونه نشانه‌ای از اختلاف یا فاصله میان ترامپ و نتانیاهاو، معمولاً منتقدان اسرائیل را امیدوار می‌کند و حتی باعث علاقه‌مندی بیشتر برخی به رئیس‌جمهور آمریکا می‌شود؛ اما واقعیت این است که این دو رهبر سال هاست شریک و متحدی نزدیک برای یکدیگر بوده‌اند و البته تهران حالا دلایل بیشتری برای بی اعتمادی به ترامپ در اختیار دارد. همزمان با تشدید درگیری میان ایران و اسرائیل، ترامپ سلسله‌ای از اقدامات تحریک آمیز انجام داد که آشکارا خصوص تهران با واشنگتن را عمیق تر کرد. رئیس‌جمهور آمریکا تهدید به ترور کرد؛ از ساکنان تهران؛ شهری بزرگ تر از نیویورک خواست فورا شهر را ترک کنند؛ هنگام تشریح عملیات نظامی اسرائیل در ایران از واژه «ما» استفاده کرد و آشکارا از تغییر نظام در ایران حمایت نمود. در عرصه سیاست بین الملل، بی اعتمادی همواره مانعی جدی برای دیپلماسی است؛ اما سطح سوءظنی که امروز تهران نسبت به پیشنهاد های ترامپ دارد، به مراتب فراتر از بی اعتمادی های معمول میان دولت هاست.

جوادامام در گفت وگو با «آرمان ملی»:

منافع ملی در اولویت باشد



منافع ملی اصل است نه منافع یک جریان یا گروه خاص

حاکمیت و دولت اقدام مردم را تکمیل کنند

آرمان ملی – حمید شجاعی: صهیونیست‌ها تصور می‌کردند که می‌توانند با استفاده از اختلافات درونی در جامعه ایران و وجود برخی ناراضیانی‌ها منبعث از شرایط اقتصادی ... بر موج اختلافات سوار شوند و انتظار که می‌خواهند اهداف خود را پیش ببرند و با حمله نظامی ایران را به تلاطم و آشوب بکشند. فکر می‌کردند که اگر به ایران تجاوز کنند و از رسانه‌هایشان نیز موج تفرقه افکنی را راه بیندازند مردم ایران به خیابان‌ها می‌آیند. اما نشان دادند که مردم ایران را نمی‌شناسند و همین مقاومت و انسجام مردم باعث شکست پروژه صهیونیست‌ها شد. مردمی که در ۸ سال دفاع مقدس به دفاع از میهن

خود پرداختند و در این جنگ ۱۲ روزه نیز با وجود اختلافات و ناراضیانی‌ها نشان دادند که اگر اختلاف یا اعتراض هم هست در داخل خانه است و دشمن خارجی اگر بخواهد به ایران طمع داشته باشد با سبیلی ملت مواجه خواهد شد. انسجامی مثال زدنی که طی یک دهه اخیر کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر بود. حال نکته اینجا است که این انسجام و وحدت باید چگونه حفظ و تقویت گردد. برای پاسخ به این پرسش و تحلیل نوع رویکرد مردم و مواجهه حاکمیت و دولت با این انسجام «آرمان ملی» با جواد امام سخنگوی جبهه اصلاحات و دبیرکل حزب مجمع ایثارگران اصلاح طلب به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

همه ارکان باید حرکت مردم را تکمیل کنند و ادامه دهند. وقت آن رسیده که سیاست‌ها را تغییر دهیم و به مردم برگردیم، عفو عمومی اعلام کنیم و شریاطی فراهم شود که ایرانیان خارج به وطن بازگردند

و آغوش خانواده‌های خود باز گردند و شاهد برقراری آشتی ملی در جامعه باشیم. البته به نظر می‌رسد که آتش بس میان ایران و اسرائیل بسیار شکننده است هرچند که خود اسرائیل صدها بار آتش بس انجام شده را در موارد قبل نقض کرده است. به هر حال برخی سیاست‌های نه چندان درست از نگاه‌های گزینشی خودی و غیر خودی گرفته تا برخی رویکردها و استفاده از ظرفیت‌های موجود به جای شناسایی و برخورد با دشمنان کشور نباید با اقدامات جانبدارانه جنای این ظرفیت‌ها به جای خدمت در راه مردم و منافع ملی برای حذف رقبای سیاسی به‌کار گرفته شود و عملاً مردم از صحنه تصمیم‌گیری و مشارکت در سرنوشت خودشان حذف شوند. این نوع برخورد‌ها و رفتارها باعث شد تا شایستگان را کنار بگذارد و شکافی بین دولت و ملت ایجاد شود که متأسفانه بستر برای طمع دشمن صهیونیستی، دولت‌های حامی، یاغی و قانون شکن فراهم شود. لذا باید این مساله نیز در جای خود به درستی آسیب شناسی شود. البته صهیونیست‌ها و آمریکا از ابتدای انقلاب با ایران در نخاصم بودند و از سوی دستگاه قضا صورت ایران بوده‌اند. البته امام (ره) نیز فرمودند که ملت‌های مسلمان باید اسرائیل را از صفحه روزگار محو کنند. در حالی که امروز این فقط ایران است که در مقابل اسرائیل قرار گرفته و سایر کشورهای مسلمان از تقابل با صهیونیست‌ها خودداری کرده، سکوت اختیار کرده‌اند و برخی حتی با صهیونیست‌ها تعامل و سازش کرده‌اند.

از طرفی آنچه گفته شد به عنوان نفوذ که باعث رخنه دشمن و آسیب‌هایی به کشور شد قطعی است و صورت گرفته است. البته آنچه که امروز به عنوان برخورد با اتباع غیرمجاز به عنوان جاسوس عامل رژیم صهیونیستی مطرح شده و از سوی دستگاه قضا صورت گرفته مورد تقدیر است. اما از کنار این مساله نباید به سادگی گذشت و آمریکا و اسرائیل برای نفوذ در کشور سال‌ها برنامه‌ریزی کردند و باید این مساله مورد آسیب شناسی قرار بگیرد.

چطور می‌توان از این فرصت استفاده کرد و دوباره دولت-ملت متحد و منسجم و پایدار ساخت؟

اتحاد نانوشته، رمز ماندگاری ایران

که با گذشت زمان و بروز و ظهور نسل تازه، چون گذشته نیست، اکنون مردم، حتی بدون همراهی سیاسی همان ایستادگی را نشان می‌دهند. و این یعنی عشق به وطن در ایران، یک پدیده ریشه دار و ماندگار است. باید اور کنیم نسل امروز شاید همان میزان فداکاری را دارد، اما با تعریف متفاوت. او ممکن است نگاه دیگری داشته باشد، اما به خاک وفادار است. او نقد می‌کند، اما ایران را نمی‌فروشد و به قول آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی شاید فردا ما نباشیم، ایران که هست، فرزندان ما که هستند. این عشق مفهومی، یکی از عمیق ترین نقاط عطف تاریخی در رفتار سیاسی امروز مردم ایران است. به مسئولان کشور باید هشدار داد: اگر امروز مردمی که هر روز با مشکلات معیشتی و برخی محدودیت‌ها و بی اعتمادی‌ها روبرو هستند، باز هم در لحظه خطر، خاک را تنهائی می‌گذارند، این نه از ترس، بلکه از اصالت است. اما هیچ اصالتی جای سبر نمی‌کند. اگر این سرمایه اجتماعی نادیده گرفته شود، اگر به جای احترام به آن، سوءاستفاده شود، در معرکه بعدی شاید دیگر کسی نباشد. اتحاد اجتماعی، مثل سرمایه مالی، نیاز به اعتماد، رشد و نگهداری دارد. مردمی که در روز خطر، شریف‌ترین رفتار ممکن را از خود نشان دادند، مستحق مسئولیتی هستند که آنان را دراز کردند. در پایان، جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، آزمونی بود نه فقط برای سامانه‌های پدافندی یا میزان آمادگی نظامی، بلکه برای روح جمعی ملت و این ملت. آزمون را با سرفزای گذراند. رفتار اجتماعی مردم در این بحران، نشان داد که ایران از آن مردمی است که خاک را عزیز می‌دانند. اگرچه شاید از موضوعاتی ناامید شده‌اند، اما شکرش نه. این وطن دوستی می‌صدا باید شنیده شود نه با تبلیغ، بلکه با سانسور، بلکه با سیاست‌گذاری‌های تازه، با شنیدن، با اصلاح، با با شکرست به مردم، زیرا اگر بار دیگر جنگی آغاز شود، آنچه کشور را نگه می‌دارد، علاوه بر توانمندی و قدرت نظامی، قلب‌هایی است که هنوز می‌تند برپا نای به نام ایران.

فرشاد مومنی مطرح کرد:

برای تاب‌آوری ملی

باید پیوندها را تقویت کرد نه تضعیف

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد، با انتقاد از نگاه‌های تقلیل گرایانه به تحزب اظهار داشت: منشأ تفرقه، تحزب نیست؛ بی صداقتی و باند بازی منشأ تفرقه‌اند. فرشاد مومنی با تأکید بر اینکه «هیچ پیامبری هم در غیاب مشارکت مردم نمی‌تواند عدالت را برپا کند»، خواستار بازنگری سیستمی در ساختارهای نهادی کشور شد و گفت: اگر به علم تمکین کنیم، این مسائل در تسخیر علم هستند؛ ما می‌توانیم با استفاده از ظرفیت دانایی موجود، جامعه را نجات دهیم. وی با بیان اینکه در دوره جمهوری اسلامی، همواره استراتژی مشترک آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها استراتژی فروپاشی از درون بوده است، توجه به نهاد خانواده و مسائل آن را از این دریچه حائز اهمیت دانست و یادآور شد: امیدوارم شرایط کنونی این درس را به ما بدهد که پنهان کاری، آن هم در شرایطی که براندازان نشان دادند احاطه شان بر مسائل ما زیاده است، کاری غیرمنطقی است. رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد ضمن تأکید بر اینکه پنهانکاری یعنی پاس گل دادن به براندازان و ظرفیت زدایی از همه کسانی که دل در گرو این جامعه دارند و می‌خواهند کمک کنند که این جامعه آبرومند اداره شود، ادامه داد: پیام آیت‌ا... شهید بهشتی، برای آنها که به بقا و بالندگی جامعه‌مان فکر می‌کنند، این بود که به خودتان با دقت، صادقانه و عالمانه نگاه کنید. این تأکید هم از تعالیم مولا علی ابن ابیطالب الهام گرفته شده است. قله‌های تجربه عملی بشر هم این را نشان می‌دهد. مثلاً ویل دورانت در جمعندی اش که در کتاب «تاریخ تمدن» آمده، می‌گوید مرگ همه تمدن‌ها ریشه در عوامل درونی دارد. عوامل بیرونی فقط سرعت را تغییر می‌دهند. تند و کند می‌کنند، ولی اصل ماجرا در درون رقم می‌خورد. بنابراین پنهان کاری در این زمینه خدمت به براندازان است. مومنی با انتقاد از برخی پنهان کاری‌ها در ارائه آمار و یادستکاری و تاخیر در انتشار داده‌های رسمی، اضافه کرد: وقتی بدیهی‌ترین چیزها را ذکر می‌کنیم، ترجیح اول مقام‌های رسمی این است که تکیذ و انکار کنند و زمانی بپذیرند که دیگر راهی جز پذیرفتن وجود ندارد. ویل دورانت می‌گوید مرگ همه تمدن‌ها از درون نشأت می‌گیرد و منشأ اصلی‌اش هم پوسیدگی همه ابعاد حیات جمعی و به واسطه گسترش و تعمیق فساد است. اصل این فساد گسترده و خانمان برانداز در کشورمان رها شده و جدل‌ها بر سر این است که اسمش را چه بگذارند. متوجه شوید که فساد نابود کننده است، هم نابود کننده مشروعیت، هم نابودکننده بقا و بالندگی. او ضمن اشاره به بخشهایی از کتاب «کاپیتالایسم، سوسیالیسم و دموکراسی» نوشته شوپنیرتر که در آن به بحث فروپاشی از درون می‌پردازد، ادامه داد: در این کتاب در تحلیلی که راجع به آینده سرمایه‌داری مطرح می‌کند، می‌گوید اگر سرمایه‌داری یک روزی فرو بریزد، ریشه اصلی‌اش بروز زلزله در نهاد خانواده است. استدلال‌های زیادی هم در این اسناد دانشگاه با انتقاد از برخی دیدگاه‌ها که به جای پذیرش مسئولیت در حوزه آسیب‌های اجتماعی، با نادیده گرفتن آنها، عنوان می‌کنند که این حرف غربی‌ها و متعلق به جامعه غرب است، گفت: مگر آنها هم انسان نیستند؟ و جوه مشترک انسانها که خیلی بیشتر از جوه افتراقی‌اند است. این حرف‌ها چه در ساحات نظر، چه در ساحات عمل، خانمان براندازی می‌کند. وقتی اینها این‌گونه برخورد می‌کنند، عده‌ای هم برایشان هر چیزی که غربی باشد، تبدیل به بت می‌شود؛ یعنی اگر بخواهی چیزی را نقد کنی، انگار با مقصد سانشان درمی‌افتی و این گونه ما را از مسیر تعادل خارج می‌کنند.

انحراف از عدالت

مومنی اظهار کرد: تمام نظریه‌های وابستگی در بحث از ضرورت سلطه شناسی، می‌گویند بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کارکرد نظام‌های سلطه، پیوند زدایی و مبتنی بر روابط سلطه با دنیای خارج بوده است. همین امر، کمر ما را شکسته و اگر این بی احتیاطی‌ها بخواهد همچنان ادامه پیدا کند، بلاهای بسیار بزرگی بر سر ما خواهد آورد. به گفته رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد؛ عموماً در بحث‌هایی که از این زاویه صورت می‌گیرند، گفته می‌شود حکومتی که به هر بهانه‌ای، از مردم خود در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی شان مشارکت زدایی کند، محکوم به فروپاشی از درون است. اگر ما اکنون درباره نحوه مشارکت مردم در انتخابات صحبت کنیم، ممکن است برخی عزیزان ده‌ها نوع مناسله مطرح کنند. به این دلیل که برای پنهان کردن اصل ماجرا و گریز از مسئولیت، به دیوار انکار پناه می‌برند و دیوار حاشا نیز بسیار بلند است. این عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی اظهار داشت: از منظر همان ویژگی پیوند زدایی هویت‌ها چه خانوادگی، چه ملی، چه دینی باید گفت این رویه‌ها چه پیوند زد که از طریق سیاست‌های مشوق فقر، فساد، نابرابری، وابستگی ذلت‌آور به دنیای خارج، مشارکت زدایی از مردم، و سلطه بی‌منطقی به جای استدلال اجرا می‌شوند، این‌نمند یک بازنگری بنیادین در شیوه اداره کشور هستند. اگر فراتر است در برابر تهدیدهای خارجی، قدرت انعطاف و تاب آوری خود را افزایش دهیم، باید بر تقویت پیوندها متمرکز شویم.